

سیاست جنایی ترکیبی ایران در برابر بزهکاری زیست‌محیطی*

□ شهرداد دارابی^۱

چکیده

سیاست جنایی ترکیبی، جنبشی ضد تمرکز است که با تأکید بر پویایی و تکثر پاسخ‌های اتخاذی از جانب هیئت اجتماع در برابر بزهکاری، واضعان سیاست جنایی را در بهنه بزه‌انگاری، پاسخ‌گذاری و فرایند دادرسی به بدیل‌های تلفیقی رهنمون می‌سازد. بر این ابتننا، اگرچه پارادایم آزادی، برابری و قدرت، تعیین‌کننده مدل غالب سیاست جنایی دولت‌ها قلمداد می‌شوند، مع‌الوصف قابلیت انفکاک یا همسانی مدل سیاست جنایی ترکیبی در تکثر بزه‌انگاری، اعم از جرم‌انگاری و تخلف‌انگاری از یک سو و تنوع پاسخ‌گذاری و آیین دادرسی از سوی دیگر، مدل‌سازی نوین را در عرصه سیاست جنایی مطرح می‌نماید. بر این اساس، کاربست کنش‌های فرهنگی، اجتماعی یا وضعی و پاسخ‌های مدنی، اداری - انضباطی و کیفری در قبال جرایم زیست‌محیطی می‌تواند چالش‌ناشی از دستاوردهای حداقلی عرصه مبارزه با بزهکاری زیست‌محیطی را منتج به

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵.

۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
(shahrdad.darabi@yahoo.com).

کارآمدی حداکثری نموده و بهره‌وری لازم را همراه با تغییر گستره سیاست جنایی در بر داشته باشد. مطالعات مبین تجمیع مطلوب متغیرها و نوسانات پیش‌بینی شده در سیاست جنایی ترکیبی ایران در برابر بزهکاری زیست‌محیطی در گذار از پاسخ‌های کیفری صرف و استحاله این مهم در هماهنگ‌سازی راهبردهای توان‌افزا یا توان‌گیر پیشگیرانه و توسعه شبکه اداری - انتظامی و جامعه مدنی متناظر با جرایم مطروحه است.

در این نوشتار، بررسی جنبه‌ها و جلوه‌های سیاست جنایی ترکیبی در خصوص بزهکاری زیست‌محیطی و راهبردهای مؤثر این مهم در ایران تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی ترکیبی، بزهکاری زیست‌محیطی، پاسخ‌شناسی، سیاست‌گذاری.

درآمد

بدون تردید، روند تحولات عظیم جوامع همچون صنعتی شدن، موجب تسریع تخریب محیط زیست و آلودگی آن گردیده است؛ مؤلفه‌ای که تخریب و نابودی جنگل‌ها، انقراض نسل جانوران وحشی، آلودگی هوا، آب‌ها و آلودگی صوتی، بیابان‌زایی، افزایش گازهای گلخانه‌ای و... را به دنبال داشته است.

بر اساس تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «بررسی تطبیقی اقتصاد محیط زیست از دیدگاه تقنینی و نظارتی در سال ۱۳۹۷»، برآورد شده است که بزهکاری زیست‌محیطی و آسیب‌های وارده سالانه، حدود هشت میلیارد و ۴۳۰ میلیون دلار به اقتصاد ایران زیان می‌رساند. برای نمونه، تنها خسارتی که از خشک شدن بخش بزرگی از تالاب‌های طشک و بختگان در استان فارس در آن سال به اقتصاد ایران وارد شده، حدود نیم میلیارد دلار (۵۰۳ میلیون دلار) بوده است (درویش، ۱۳۹۸). این امر مبین آن است که راهبرد اتخاذی توسط متولیان سیاست جنایی در برابر بزهکاری زیست‌محیطی، دستاورد معنابهی نداشته است.

جرم زیست‌محیطی عملی است که به قصد آسیب رساندن به سیستم اکولوژیکی یا بیولوژیکی^۱ انجام می‌گیرد و هدف آن عمدتاً سودجویی می‌باشد (Clifford, 1998: 532).

۱. زیست‌بوم‌شناختی.

از این رو، محیط زیست نیز یکی از حوزه‌هایی است که حقوق کیفری با تدابیر خویش باید از آن صیانت کند و با امعان نظر به بزهکاری زیست‌محیطی که متضمن فاصله گرفتن از هنجارهای اجتماعی در قالب جرم یا تخلف است، واضعان سیاست جنایی، تصویب مقررات تقنینی یا فروتقنینی را جهت پاسخ‌گذاری مناسب در قبال بزهکاری زیست‌محیطی مطمح نظر قرار می‌دهند.

روشن است که تدابیر اتخاذی متولیان سیاست جنایی در برابر بزهکاری زیست‌محیطی، مستلزم کشف حجم واقعی اهمیت صیانت از محیط زیست به عنوان گرانگه توسعه پایدار و هنجارگذاری زیست‌محیطی در پرتو سیاست‌گذاری عمومی در نظام حقوقی ایران است. بر این ابنتا، حق بر محیط زیست سالم^۱ در کنار دیگر حق‌های بنیادین مانند حق حیات، حق بر سلامتی، حق بر آموزش، حق امنیت^۲ و اساسی‌سازی^۳ این مهم، مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است، آن‌چنان که خط مشی‌گذاری زیست‌محیطی در پرتو ظرفیت‌های حقوق اساسی می‌تواند برنامه‌ریزی در این حوزه را تنظیم و تنسیق نماید.

بدین‌سان، سامان‌دهی ارزش‌گذاری و تعیین ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری، از مهم‌ترین اقدامات متولیان سیاست جنایی دولت‌ها در راستای تأمین و تضمین امنیت عمومی قلمداد می‌شود. بی‌تردید براینند تفکر حاکمیت نسبت به پدیده بزهکاری و مهندسی این مهم، معرّف مدلهای سیاست جنایی است.

اصطلاح سیاست جنایی توسط فوئرباخ، استاد آلمانی حقوق کیفری در سال ۱۸۰۳ یعنی آغاز سده نوزدهم به کار برده شد (لواسور، ۱۳۷۱-۱۳۷۲: ۳۹۹). این اصطلاح در مفهوم موسع به مطالعه نظری - عملی گونه‌های مختلف کنترل اجتماعی جرم و انحراف تعبیر

1. Right to healthy Environment.

۲. اصل پنجاهم قانون اساسی اشعار می‌دارد: «در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی و رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب جبران‌ناپذیر آن ملازمه پیدا می‌کند، ممنوع است». آنچه اهمیت دارد این است که در تفسیر اصل ۵۰ قانون اساسی باید حق‌ها را موسع و صلاحیت‌ها را مضیق تفسیر نمود (مشهدی، ۱۳۹۳: ۵۶۸).

۳. برای مطالعه بیشتر درباره موضوع اساسی‌سازی، ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: نیز ر.ک: نیازپور، ۱۳۹۳.

می‌شود (دلماز مارتی، ۱۳۹۸: ۶۹). بر این ابنتا، ناپایداری و متغیر بودن رویه‌های عملی در تناظر با مدل‌های مرجع و انعطاف‌پذیری پاسخ‌های دولتی یا جامعه‌ی با تأثیرپذیری از تحولات جامعه، متضمن گونه‌شناسی متفاوت سیاست جنایی است.

برای نمونه، سیاست جنایی ایدئولوژیک (جزمیت‌محور)، سیاست جنایی علمی و سیاست جنایی ترکیبی و تلفیقی از ایدئولوژی و دستاوردهای علمی، سیاست جنایی سختگیرانه و سیاست جنایی عادلانه، سیاست جنایی دینی، سیاست جنایی عرفی و سیاست جنایی تلفیقی (از دو رویکرد دینی - عرفی)، در پرتو معیارهای مختلف گونه‌بندی می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۵۵۷). سیاست جنایی ترکیبی، استفاده تلفیقی انواع تدابیر ماهوی و شکلی داخلی و بین‌المللی در برابر بزه و تخلف را به ذهن متبادر می‌کند.

بنابراین، اگرچه جهت‌گیری کلی سیاست جنایی موضوعه یعنی سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی بر اساس رویکرد سیاسی - فلسفی دولت یعنی حاکمیت مستقر به آزادی، برابری و قدرت و نیز به بزه، انحراف، کیفر، کرامت انسانی، حقوق بزه‌دیده، امنیت و... تعریف و مشخص می‌شود (همو، ۱۳۹۸: ۴۸)، اما در این میان، اجرای سیاست جنایی در عمل با قبض و بسط‌هایی همراه است که شرایط پویایی در مدل‌های سیاست جنایی را رقم می‌زند. در واقع هم‌افزایی دولت و جامعه مدنی در حوزه تأمین امنیت جامعه، پیشگیری و عقب‌راندن موج بزهکاری زیست‌محیطی، با درکی مشترک و معرفت‌شناسانه از پدیده بزهکاری همراه خواهد بود.

در عرصه بین‌المللی نیز حمایت سنتی حقوق بین‌الملل و ممنوعیت خسارات وارده به محیط زیست به سمت توسعه تدابیر حفاظتی^۱ و جرم‌انگاری این خسارات، جهت‌مند شده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۳۳). لذا صیانت از محیط زیست به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و ضرورت

۱. برای نمونه، دیوان دادگستری اروپایی در قضیه اتحادیه ملی مزرعه‌داران اظهار داشت که عدم قطعیت خطرات ناشی از اقدامات علیه جانوران زنده، نافی تدابیر حفاظتی نهادهای مربوطه نیست و ایشان می‌توانند بی‌آنکه منتظر کشف کامل واقعیت و یا شدت خطرات شوند، تمهیدات تأمینی را اتخاذ نمایند (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۷۶).

دگرذیسی سیاست جنایی در توسعه دامنه ارزش‌گذاری و ضمانت اجراگذاری در قالب سیاست جنایی ترکیبی ساختارمند، منتج به دستاوردهای حداکثری در قبال بزهکاری زیست‌محیطی خواهد بود.

جرایم زیست‌محیطی از یک سو، حق بر محیط زیست سالم (نسل یا مقوله سوم حقوق بشر) را نقض می‌کند و از سوی دیگر به نظام اقتصادی جامعه صدمه می‌زند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۴). بنابراین با آنکه جریان سیاست جنایی در کشورهای مردم‌سالار، متکی بر اجرای متون قانونی و ارشادی اسناد مختلف داخلی و بین‌المللی توسط نهادهای رسمی و گسترش عرصه مداخله جامعه مدنی در برابر جرایم یا کزروی‌های مرتبط است، مع‌الوصف پویایی و فقدان ایستایی سیاست جنایی هر کشور، جامعه را حسب مقتضیات مکانی و زمانی با تحولاتی مواجه می‌سازد که این مهم می‌تواند در تغلیب دولتی یا جامعوی بودن مدل سیاست جنایی در برابر بزهکاری از جمله جرایم زیست‌محیطی مؤثر باشد.

بر این اساس، «سیاست جنایی ترکیبی»، تعبیری که دلماس - مارتی به کار برده و نجفی ابرندآبادی آن را در مقاله خود به مناسبت بررسی جرایم اقتصادی بررسی کرده است،^۱ شامل انواع جرم‌انگاری و تخلف‌انگاری در حوزه مورد نظر و نیز بهره‌گیری از ظرفیت‌های کنشی - واکنشی، دولتی - جامعوی و ملی - بین‌المللی در قبال جرایم و تخلفات مربوط، با هدف ارتقاء هر چه بیشتر کارآمدی سیاست جنایی در تأمین امنیت در قلمرو مورد نظر است؛ راهبردی نوین در عرصه مدل‌های معین با اشکال مختلف کنترل پدیده مجرمانه است که متضمن تنوع بزه‌انگاری، پاسخ‌گذاری و دادرسی است؛ الگویی که قابلیت عینیت‌بخشی در حوزه کنترل بزهکاری زیست‌محیطی را نیز داراست. بدین سان، توجه به چالش‌های ناشی از خیزش فزاینده بزهکاری زیست‌محیطی در کشور و تبیین بایسته‌های سیاست جنایی ترکیبی در قلمرو زیست‌محیطی، مهم‌ترین ضرورت نگارش این نوشتار بوده است.

پرسش اساسی آن است که سازوکارهای سیاست جنایی ترکیبی ایران در برابر بزهکاری

۱. این مفهوم در مقاله «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۴۷۴) به کار برده شده است.

زیست‌محیطی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش با رعایت روش توصیفی - تحلیلی، در گفتار اول جرم‌انگاری زیست‌محیطی در سیاست جنایی ترکیبی ایران، در گفتار دوم تخلف‌انگاری زیست‌محیطی در سیاست جنایی ترکیبی ایران، و در گفتار سوم پاسخ‌گذاری در برابر بزهکاری زیست‌محیطی تبیین خواهد شد.

۱. جرم‌انگاری زیست‌محیطی در سیاست جنایی ترکیبی ایران

حقوق کیفری محیط زیست در جرم‌انگاری نقض ارزش‌های این عرصه تبلور می‌یابد. قانون‌گذار پیام کیفرگذاری رفتارهایی را که با وجود ارکان عمومی جرم منجر به مسئولیت جزایی و تحمل مجازات می‌شوند، به شهروندان اعلام می‌نماید و فرایند تولید ارزش‌ها و هنجارهایی که راهبردهای حاکم بر عرصه زیست‌محیطی^۱ را سامان می‌بخشد، با بزه‌انگاری و کیفرگذاری محقق می‌شود.^۲

در این میان، مبانی جرم‌انگاری در حوزه جرایم زیست‌محیطی با تأکید بر بقای محیط زیست و صیانت از سلامت انسان در رویکردهای طبیعت‌محور و انسان‌محور ظاهر می‌شود. بدین ترتیب، بزه‌انگاری متضمن جرم‌انگاری (بزه‌انگاری کیفری) و تخلف‌انگاری (بزه‌انگاری اداری - انضباطی - انتظامی) است؛ آن‌چنان که با مشروعیت یافتن ضمانت اجراهای شبکه اداری در کنار شبکه کیفری، عناصر تشکیل‌دهنده جرم زیست‌محیطی و تعیین شخص مسئول از منظر حقوق کیفری و شخص متخلف در حوزه اداری، با

۱. روشن است که تبلور حق بر محیط زیست سالم در جامعه، مبتنی بر مفهوم منفعت عمومی یا منفعت همگانی است که در آن افراد جامعه به صورت دسته‌جمعی از محیط سالم بهره‌مند می‌گردند (مشهدی، ۱۳۹۲: ۲۸). انتخاب رویکردی مناسب در تصویب مجازات‌های زیست‌محیطی با توجه به عوامل متعددی همچون سود ناشی از تخلفات زیست‌محیطی شرکت‌ها، نقش مجازات‌ها در تنزل شهرت و اعتبار شرکت‌های آلاینده محیط زیست، لزوم شناسایی عینی و قضایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تقویت نهادهای نظارتی، حقوق کیفری را در رسیدن به اهدافش در این حوزه یاری می‌نماید (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۹۹).

۲. جرایم زیست‌محیطی به اعتبار موضوع رفتار ارتكابی شامل استفاده غیر مجاز و آلوده‌سازی آب، هوا، صدا و خاک، شکار و صید غیر مجاز جانوران و تخریب، آتش زدن و تصرف عدوانی جنگل و مراتع ملی و جرایم زیست‌محیطی به اعتبار محل ارتكاب جرم، متضمن جرایم ارتكابی در مناطق پارک ملی، مناطق آثار طبیعی ملی، پناهگاه‌های حیات وحش، مناطق حفاظت‌شده، مناطق شکار ممنوع و محدوده قرق اختصاصی می‌باشد (کشاورز، ۱۳۹۹: ۶۷).

واکنش‌های تنبیهی مواجه می‌شوند. بی‌شک بزه‌انگاری در پهنه سیاست جنایی ترکیبی در نهادینه کردن ارزش‌ها و اخلاق زیست‌محیطی، نقش مؤثری را ایفا می‌کند.

باید اذعان داشت که اصل حداقل بودن حقوق جزا در تلاش است تا قلمرو مجاز مداخله کیفری را تعیین نموده و امکان حضور و زیست سایر ابزارها و نهادهای کنترل اجتماعی را مهیا سازد (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۵). لذا حقوق کیفری به عنوان آخرین تدبیر قانونی برای صیانت از ارزش‌های زیست‌محیطی شکل می‌گیرد، اما از آنجا که طیفی از پاسخ‌های سیاست جنایی ترکیبی در برابر بزهکاری زیست‌محیطی، ناگزیر از به کارگیری الزام‌های قهرآمیز است و گاهی تهدید ناشی از اعمال مجازات‌های کیفری علیه ناقضان مقررات زیست‌محیطی، ابزاری ارزشمند در بازدارندگی عام و خاص از جرایم است، لذا در کنار علت‌شناسی وقوع جرایم زیست‌محیطی و بهره‌مندی از تدابیر پیشگیرانه جرم‌شناختی، می‌توان به اهداف حداقلی پیشگیرانه مجازات‌ها نیز امیدوار بود.

با آنکه دشواری انتساب و تعیین آستانه ضرر در جرایم زیست‌محیطی موجب شده است که ممنوعیت کیفری نتواند یک راه حل اقناع‌کننده و رضایت‌بخش باشد (روستایی و رحمانیان، ۱۳۹۶: ۲۷۳) و حوزه جرم‌انگاری و ضمانت اجراگذاری بزهکاری زیست‌محیطی با تورم قوانین^۱ مواجه است، اما غیر قابل جبران بودن قاطبه جرایم زیست‌محیطی از یک سو و یا عدم جرم‌انگاری رفتارهای تمهیدی و مقدماتی از سوی دیگر، می‌تواند منجر به تهدیدی برای وقوع این دسته از جرایم یا افزایش تبعات زیست‌محیطی در آتی شود. این امر لازم می‌نماید که قانون‌گذار حمایت کیفری خویش را مبنی بر صیانت از ارزش ذاتی محیط زیست حفظ نماید (شاملو و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴). از این رو در سیاست جنایی ترکیبی باید ارزش بالقوه هنجارگذاری زیست‌محیطی محفوظ بماند.

افزون بر این، اگرچه استفاده از حقوق کیفری برای حمایت از محیط زیست در عرصه بین‌المللی نیز مناط اعتبار قرار گرفته است (Perira, 2015: 24)، روشن است که

۱. مروری بر قوانین حوزه محیط زیست در ایران و وجود حجم انبوهی از مواد قانونی در مجموعه‌های متعدد، حاکی از پراکندگی و آشفتگی در جرم‌انگاری است؛ به نحوی که تدوین مجموعه‌ای حجیم بالغ بر هزار صفحه تحت عنوان «مجموعه قوانین محیط زیست» توسط سازمان محیط زیست، گواه این مدعاست (پورباقرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۵۳).

پاسخ‌های کیفری - به ویژه کیفر حبس - منتج به موفقیت حداکثری نبوده و کنترل جرایم زیست‌محیطی، متضمن دامنه گسترده‌ای از اقدامات کنشی، واکنشی اداری، انضباطی، مالی، مدنی، کیفری و... است. استفاده از نظام‌های حبس، فراتر از ظرفیت آن‌ها و تفاوت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حکمرانی و عدالت کیفری منجر به تورم جمعیت زندان‌ها در مناطق مختلف جهان شده است (آلبرشت، ۱۳۹۵: ۴۹). به عبارت دیگر، اگرچه تقنین، برآیند مراحل حفاظت از محیط زیست قلمداد می‌شود، مع الوصف اجرای مقررات وضع شده و تحقق اهداف قانون‌گذار توسط قوه مجریه منوط به اعمال ضمانت اجراهای مناسب توسط متولیان نظام عدالت کیفری و مقامات قضایی است. برای نمونه، در قسمتی از ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ تصریح شده است:

«هر کس در جنگل عمداً آتش‌سوزی ایجاد کند، به حبس جنایی از سه تا ده سال محکوم خواهد شد».

صرف نظر از اطلاق ماده که همه مرتکبان را با احراز مسئولیت کیفری، اعم از مباشر، شرکا و معاون جرم با هر میزان از سن یا جنسیت، داخل در مقام قرار می‌دهد (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۷۸). اگر به واسطه بی‌مبالاتی کسی اشجار متعلق به دیگری آتش بگیرد و عمدی در میان نباشد، عمل قابل مجازات نخواهد بود؛ زیرا از عبارت «عمداً آتش‌سوزی ایجاد کند» در ماده، لزوم وجود سوءنیت استنباط می‌گردد. همچنین در مواد ۴۵ و ۴۶ قانون مذکور صرفاً «بی‌مبالاتی» در ایجاد حریق در جنگل مطمح نظر قرار گرفته است.^۱ بنابراین حتی جزای نقدی هم برای بی‌مبالاتی دیده نشده است. بدین ترتیب، سیاست جنایی ترکیبی، کارآمدی پاسخ‌های واکنشی را در موارد مغفول‌مانده از منظر قانون‌گذار نیز مدنظر قرار می‌دهد.

افزون بر این، بنا بر ماده ۱۹ قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، هر گونه فعالیت معدنی بدون مجوز، جرمی مطلق است که به محض تحقق افعال مادی مورد نظر اعم از کشف، استخراج، برداشت و بهره‌برداری غیر مجاز مواد معدنی،

۱. حکم شماره ۱۳۹۵-۲۲/۵/۱۳۹۱ دادگاه عمومی کیفری ۲ تهران.

جرم‌انگاری شده و صرف‌نظر از تحقق نتیجه، وقوع جرم احراز می‌گردد که مطابق ذیل ماده، با مرتکب برابر قوانین و مقررات مربوطه رفتار خواهد شد. این در حالی است که تعیین نشدن مجازات مصرح و عدم احاله صریح به مواد مندرج در قانون مجازات اسلامی، موجب تشتت آرا در استناد به مواد ۵۹۸ و ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی شده است.

از این رو، مطلوب سیاست جنایی ترکیبی ایران، تحمیل صرفِ هنجارهای الزام‌آور که منتهی به اقدامات ایجابی یا سلبی توسط تابعان حقوق جزای محیط زیست شود، نیست؛^۱ بلکه اجرای وظایف قوای سه‌گانه به صورت تفریدی و ترکیبی هم‌زمان به عنوان راهبردی موفقیت‌آمیز است که تعیین اولویت‌ها، اثربخشی و میزان تحقق اهداف در تنظیم پاسخ‌گذاری با استفاده از همه ظرفیت‌های حقوقی و غیر حقوقی را مطمئن‌نظر قرار می‌دهد. این مهم، نوعی گرده‌برداری از حقوق بشر، حقوق اداری، حقوق مدنی، حقوق پیشگیری، مساعی سازمان‌های مردم‌نهاد، تأسیسات و نهادهای نوین است که متکی به آرایش جدید در برابر جرایم زیست‌محیطی می‌باشد.

۲. تخلف‌انگاری زیست‌محیطی در سیاست جنایی ترکیبی ایران

اگرچه حمایت کیفری از ارزش‌های محیط زیست از طریق مبارزه با نقض آن‌ها و اولویت‌های جامعه در تحقق بخشیدن مبارزه علیه جرایم وضع شده است، اما سیاست جنایی ترکیبی به دنبال تفویض برخی وظایف حقوق کیفری محیط زیست به دیگر رشته‌های حقوق از جمله حقوق اداری، مدنی، صنفی و... است. شکل‌گیری حقوق تخلفات اداری یا صنفی در کنار حقوق کیفری محیط زیست، متضمن پاسخ‌های غیرسرکوبگر و غیر قضایی است که تحت عناوین تخلف انضباطی، مدنی یا اداری با صلاحیت شبه قضایی محقق می‌شود. بدین ترتیب مادامی که امکان استفاده از طیف

۱. با توجه به حاکمیت دین مبین اسلام در کشور ایران، آموزه‌های قرآن کریم نیز در خصوص پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی متضمن رویکرد فردمحور (اعتقاد به خدا، آیه بودن مخلوقات زیست‌محیطی و اعتقاد به فواید طبیعت برای انسان) و آموزه‌های اخلاقی (کنترل درونی احترام به محیط زیست) می‌باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۲).

وسیعی از پاسخ‌های اداری، مدنی، تربیتی، جبرانی و... باشد، سازوکارهای سرکوبگر و سزاگرایانه اولویت نمی‌یابد.

احصاء تخلفات حوزه محیط زیست همچون: واحدهای صنعتی، تولیدی و خدماتی آلاینده محیط زیست، زنده‌گیری پرندگان وحشی، صید غیر مجاز، رهاسازی پساب شهرک‌های صنعتی و...، مصادیقی از تخلف‌انگاری در حوزه زیست‌محیطی است. براین اساس، ابلاغ اختاریه محیط زیستی برای واحدهای آلاینده و رهاکننده پساب در ابتدای امر یا جزای نقدی برای صیادان غیر مجاز، مصادیقی از ترکیب متغیرها و پاسخ‌ها در سیاست جنایی مقابله با بزهکاری زیست‌محیطی قلمداد می‌شود.

در این میان، معیار قرار دادن ضرر منبث از کنش‌های افرادی که خسارات ناشی از رفتار آن‌ها، جلوه مادی، معنوی یا عاطفی - روانی به خود می‌گیرد، مدنظر نیست؛ زیرا گاهی خطری که متوجه جامعه است، در عین عدم همسویی با هنجارهای اجتماعی، فاقد بزه‌دیدۀ مستقیم و آسیب‌های ملموس در زمان و مکان است.

لذا نباید برخی رفتارهای مخرب زیست‌محیطی به صرف عدم تظاهر بیرونی آثار عینی مغفول واقع شوند. تخلف‌انگاری زیست‌محیطی به واسطه بروز ضررهای بالقوه و بالفعل ناشی از رفتار مرتکبان، فارغ از احراز رابطه سببیت میان عمل و خسارات وارده، عدم تقید به حصول نتیجه و توسعه رکن مادی بزهکاری زیست‌محیطی در قالب ترک فعل، منجر به تحمیل زیست‌کیفری بر شهروندان می‌شود.

بدین‌سان، ماهیت، کیفیت و مرجع پاسخ به بزهکاری زیست‌محیطی در سیاست جنایی ترکیبی با تأکید بر سامان‌دهی شبکه‌های غیر کیفری و با ضمانت اجرای اداری، مبتنی بر تعامل و همکاری دولت، جامعه مدنی، اشخاص حقوقی و فعالان عرصه محیط زیست است. تأکید بر کاربست سازوکارهای تخلف‌انگاری و متعاقباً رسیدگی‌های اداری، به معنای نفی تدابیر، اقدامات مؤثر و بهنگام کیفری نیست، بلکه هدف از چنین تأکیدی، تلاش برای تکمیل و تأثیر بیش از پیش تدابیر کیفری در کنار اقدامات کارگزاران اداری در نظارت بر مرعی داشتن مقررات زیست‌محیطی در پهنه سیاست جنایی ترکیبی است.

برای نمونه در ماده ۲۰ قانون مدیریت پسماندها و مواد زائد ۱۳۸۳، خودروهای

تخلیه‌کننده پسماند در اماکن غیر مجاز که با اقدام خود آلودگی محیط زیست را تشدید می‌نمایند، به یک تا ده هفته توقیف محکوم می‌شوند که این مهم مستلزم عدم استناد صرف به ماده عام شمول ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی است (کشاورز، ۱۳۹۹: ۲۳۷)؛ مصداقی که متضمن پاسخ‌دهی اولیه به تخلفات زیست‌محیطی در مراجع غیر قضایی در سیاست جنایی ترکیبی است.

بدیهی است که قوای سه‌گانه اجرایی، قضایی و تقنینی، نقشی انکارناپذیر در فرایند ترسیم و تنظیم سیاست‌های پاسخ‌دهی مبنی بر الزامات تقنینی و فروتقنینی پاسخ‌دهی در برابر بزهکاری زیست‌محیطی بر عهده دارند. مستند فرائق‌تقنینی مداخله نهاد قضایی در این حوزه را می‌توان در سطح اختیارات قانونی واگذار شده وفق اصل ۱۵۶ قانون اساسی مبنی بر تهیه لوایح قضایی متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از وظایف قوه قضاییه برشمرد. افزون بر این، ریاست قوه قضاییه به عنوان عالی‌ترین مقام قضایی - اداری در سلسله‌مراتب قانونی در این قوه، صلاحیت تهیه بخشنامه را در حوزه وظایف محوله داراست. از طریق تهیه و ابلاغ بخش‌نامه‌های قضایی همواره بخشی از ساختار سیاست‌گذاری جنایی تعیین می‌گردد. بر این اساس با توجه به رویکرد سیاست‌گذاران جنایی، نظام عدالت کیفری در این امر به طور مستقیم مداخله می‌نماید. همچنین بهره‌مندی از قوای اجرایی در عرصه خط‌مشی‌گذاری و استفاده از ساختار اداری در کنترل جرایم زیست‌محیطی اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس تنها از آنجا که از یک سو، قوه مجریه اختیار تبیین و اجرای خط‌مشی‌های اجرایی را دارد و از سوی دیگر در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، به تبیین آن دسته از اموری پرداخته است که تحقق آن را موجب اقتدار و حاکمیت کشور خوانده و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه می‌گردد، در بند ط ماده مطروحه، حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی، در زمره نظام حاکمیتی قرار گرفته است. لذا اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی از اختیارات دولت محسوب می‌شود که سیاست جنایی ترکیبی، هم‌افزایی قوای سه‌گانه در برابر بزهکاری زیست‌محیطی به دور از هرگونه موازی‌کاری را مطمئن نظر قرار می‌دهد. بی‌شک مطالعه پاسخ‌گذاری بزهکاری زیست‌محیطی در تناظر با بزه‌انگاری این مهم ضروری می‌نماید.

۳. پاسخ‌گذاری در برابر بزهکاری زیست‌محیطی

تحقق اهداف عالیۀ زیست‌محیطی بدون توجه به نقش کنشگران غیر دولتی و معریان نظام عدالت کیفری انکارناپذیر است. بر این اساس، فراهم نمودن بسترهای مناسب جهت مشارکت فعالانۀ کلیۀ عناصر ذی‌سهم با امعان نظر به علت‌شناسی وقوع جرایم زیست‌محیطی در پرتو آموزه‌های جرم‌شناختی و به کارگیری تدابیر پیشگیرانه در سیاست جنایی ضروری است.

جرم‌شناسی سبز یا جرم‌شناسی حفاظتی محیط زیست، به جرم‌شناسی جرایم زیست‌محیطی و مطالعه‌ی رویه‌ها و سیاست‌های اجتماعی که برای محیط زیست، آب، خاک، فضای سبز، جانداران دریایی، گونه‌های حیوانی و... مضر، خسارت‌بار و جرم‌زا هستند، می‌پردازد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۲۰). در این میان، اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی، نیازمند رویکرد پیشگیری حداکثری و مداخله‌ی حداقلی نظام کیفری^۱ با کاربرد مشارکت پویای شهروندان و نقش فعال دولت به معنای اعم است.

در این نگاه، شناسایی لزوم ضرورت همگانی بر وضعیت محیط زیست، امکان مشارکت مردم در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی، پاسخ‌گویی سازمان‌های دولتی، دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، شفافیت، تقویت نقش بازیگران غیر دولتی، جوامع محلی و نهادهای مبتنی بر عدم تمرکز، از اهمیت بسزایی برخوردار است (مشهدی، ۱۳۹۵: ۷۱). توضیح آنکه شناسایی ماهیت و جایگاه مؤلفه‌های سیاست جنایی بر مبنای شناخت چگونگی مداخله‌ی ساختار سیاسی دولت‌ها صورت می‌پذیرد. بنابراین اگرچه برنامه‌ریزی هوشمندانه و فارغ از جزم‌اندیشی‌های محض دولت‌ها در طراحی تدابیر پاسخ‌دهی جنایی، نقش بسزایی دارد، اما محور اصلی و مبنایی هر گونه تأثیرگذاری بر ترسیم مدل‌های سیاست جنایی، رویکردهای آزادی‌مدار یا امنیت‌مدار حاکم بر فرایند شکل‌گیری سیاست‌های کنترل بزهکاری است.

بدین‌سان، همان‌گونه که حقوق به عنوان یک رشته‌ی مطالعاتی، با اخلاقیات، عرف، آموزه‌های علمی و نظام سیاسی هر جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد و به نوعی تبلور

1. Maximum Prevention & Minimum Intervention of Criminal System.

فرهنگ هر کشور محسوب می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۴)، سامانه پاسخ‌دهی هیئت حاکمه نیز مشتمل بر تدابیر پیشگیرانه یا سرکوبگرانه‌ای است که منبعث از برآیند ساختار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی هر کشور می‌باشد که تعیین دامنه و محدوده هنجارمندی زیست‌محیطی توسط دولت مشخص می‌شود و تضییق یا توسعه حضور دولت و جامعه مدنی را در عرصه سیاست جنایی موجب می‌گردد.

به هر رو، روابط بنیادی چهار نامتغیر سیاست جنایی، یعنی بزه و انحراف از یک سو و پاسخ دولتی و پاسخ جامعه‌ی از سوی دیگر در پرتو قانون تغلیب، مدل‌های مرجع سیاست جنایی را سامان می‌بخشد (دلماش مارتی، ۱۳۹۸: ۱۲۸). اما تفوق آرایش اتخاذی در برابر بزهکاری زیست‌محیطی، اغلب به صورت پاسخ‌های منفرد دولتی شکل می‌گیرد که گرایش به شبکه‌های متعدد و بدیل را در گذار از حقوق کیفری به عنوان هسته مرکزی سیاست جنایی به محاق می‌برده است. به عبارت دیگر، ضابطه‌مند کردن حقوقی نظام عدالت کیفری تحت تأثیر اسناد الزام‌آور ساختاری که گزینه‌های سیاست جنایی را محدود به پاسخ‌های واکنشی دولت در برابر هنجارگریزی می‌نماید، شرایط گذار و تطبیق در برقراری توازن میان روابط تکمیلی و بدیل‌های جایگزین را در عرصه بزهکاری زیست‌محیطی با گسست و انقطاع مواجه می‌سازد. لذا از آنجا که ارتکاب بسیاری از جرایم زیست‌محیطی به دلیل باورهای نادرست و فرهنگ ناصوابی است که منبعث از فقدان بزه‌دیده ملموس و عدم توانایی بزه‌دیده اعتباری در دفاع از خود می‌باشد، سازوکارهای کنشی یا واکنشی سیاست جنایی ترکیبی در قبال جرایم زیست‌محیطی باید همه گزینه‌های مؤثر را لحاظ نماید.

۱-۳. پاسخ‌گذاری کنشی سیاست جنایی ترکیبی ایران در قبال بزهکاری

زیست‌محیطی

سیاست‌های مرسوم نظام عدالت کیفری در برابر نقض هنجارهای زیست‌محیطی که با ابزارهای واکنشی، تنبیهی و سرکوبگر به دنبال مبارزه با جرم هستند، به حداقل موفقیت‌ها نائل شده و نابسامانی‌هایی که ناشی از غیر اثربخش بودن مجازات هستند، بر اکثر واضعان سیاست جنایی آشکار شده است؛ حقیقتی که راهبرد پیشگیری از جرم را

به عنوان اولویتی مبرهن در سیاست جنایی دولت‌ها آشکار می‌سازد. به طور کلی جامعه به دو صورت پیشگیری و سرکوبی در برابر بزهکاری واکنش نشان می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۹). پس فقدان یا کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه پاسخ‌های کنشی توان‌افزا می‌تواند توسعه جرایم زیست‌محیطی و در نتیجه مداخله بیشتر دستگاه عدالت کیفری، تحمیل هزینه‌های هنگفت اقتصادی و مجازات‌های توان‌گیر را به دنبال داشته باشد.

به عبارت دیگر، احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و فراهم کردن زمینه آن توسط دولت‌ها، اگر به پیشگیری کامل از رفتارهای مجرمانه منجر نگردد، دست کم دامنه اشکال بزهکاری را کاهش داده و جامعه را از توسل به اقدام‌های قهرآمیز بی‌نیاز می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۵۷۸). در این میان، تأکید راهبرد سیاست جنایی ترکیبی با کاهش مقاومت دولت‌ها و نهادهای اداری در نقش‌دهی به شهروندان و سازمان‌های غیر دولتی در راستای عمومی‌سازی پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی، جهت صیانت از محیط زیست است.

بر این اساس، جرم‌شناسی علمی برای شناخت علل و عوامل جرم و تکرار جرم، به طور عمده از مطالعات و پژوهش‌های علت‌شناسی جرم بهره می‌برد و بر اساس نتایج آن‌ها در مقام حل معمای بزهکاری برمی‌آید؛ در حالی که جرم‌شناسی نو به طور عمده به عامل‌های وضعی - فنی بزهکاری، یعنی وضعیت‌های پیش‌جنایی و نیز عوامل خطر جرم موجود نزد بزهکار تکیه می‌کند که زمینه تحقق و فرصت‌های ارتکاب جرم و تکرار جرم را آسان‌تر می‌کند (همو، ۱۳۹۲: ۷۳۰). بنابراین مهندسی تدابیر پیشگیرانه اعم از گونه‌های جامعه‌مدار یا موقعیت‌مدار با توجه به گستره جرایم زیست‌محیطی در چارچوب پیشگیری کنشی غیر تدافعی و تدافعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱-۱. تدابیر کنشی فرهنگی - اجتماعی

پیشگیری اجتماعی از گذر اقدامات توان‌افزا و مرتفع ساختن عوامل بنیادین جرم به دنبال جلوگیری از انعقاد تفکر مجرمانه در اذهان یکایک افراد جامعه است؛ راهبردی که با محور آموزش و پرورش‌مداری، ارتقاء رفاهیات و شخصیت‌سازی در تقابل

پارادایمی با پیشگیری وضعی است.

روشن است که منابع طبیعی و محیط زیست به عنوان بستر رشد و تکامل بشری، پیکره واحدی است که همه اجزای آن به هم مرتبط و پیوسته است و بقا و تکامل انسان، مستلزم بقا و حفظ تعادل و تناسب همه اجزای آن است (مهدوی و علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۹۴). بر این اساس، آموزش هر یک از افراد جامعه به عنوان یک شهروند یا اجتماع شهروندان در دوره‌های مختلف اعم از دوران دبستان تا دانشگاه و اختصاص این مهم در کتب درسی دوران تحصیلی از یک سو و آموزش عمومی شهروندان پیرامون حفاظت و مهربانی با محیط زیست از طریق رسانه‌های عمومی از سوی دیگر می‌تواند حجم واقعی اهمیت حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از بزهکاری زیست‌محیطی را برای افراد جامعه ظاهر سازد. ارتقاء سطح آگاهی نسبت به محیط زیست در جهت اطلاع‌رسانی به مردم، رفتار صحیح در خصوص حفظ مسائل زیست‌محیطی، تذکر به متخلفان و مجرمان تحریک‌کننده محیط زیست و گزارش به مراجع عالی و نهادینه‌سازی این فرهنگ در جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در این راستا، اصل هشتم قانون اساسی مقوله امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان اقدامی فرهنگی، وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت می‌داند و شاخصه‌های توصیه، ارشاد، تذکر، اخطار و حق دادخواهی در مراجع قضایی توسط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد را پیش‌بینی می‌نماید. علاوه بر افراد جامعه، دولت و سازمان‌های عمومی فعال در زمینه محیط زیست در صورت مشاهده تخلفات زیست‌محیطی از سوی بخش خصوصی یا بخش عمومی، نخست با صدور اخطاریه‌های گوناگون و الزام آنان به تهیه گزارش‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی طرح‌ها و پروژه‌ها، به امر به معروف و نهی از منکر به صورت زبانی و نوشتاری اقدام می‌نمایند.

با عدم متابعت متجاوزان به محیط زیست، توقف فعالیت‌های آنها و توقیف متخلفان، بنا به حکم مراجع قضایی صلاحیت‌دار صورت می‌پذیرد؛ مانند آنچه در قوانین زیست‌محیطی نظیر قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون هوای پاک و... در رابطه با وظایف نهادهای عمومی ذی‌ربط در برخورد با تخلفات و جرایم

زیست‌محیطی وجود دارد (لسانی و مشهدی، ۱۳۹۷: ۱۲۹). بدین‌سان، آموزش هر یک از افراد جامعه به عنوان یک شهروند و مجموع آن‌ها تحت عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد با استناد به حق بر محیط زیست خود در صورت مشاهده تخلفات زیست‌محیطی از سوی نهادهای عمومی، مقامات و کارکنان آن‌ها، راهبردی مؤثر در پهنه سیاست جنایی ترکیبی با تأکید بر پیشگیری اجتماعی از بزهکاری زیست‌محیطی است. شکل‌گیری سامانه جامع اطلاعات مردمی (سجام) با توجه به دغدغه‌های پیشگیری و کاهش جرایم زیست‌محیطی و در راستای استفاده از ظرفیت‌های مردمی به عنوان دیده‌بانان مشرف بر محیط زیست، امکان گزارش شهروندان را در خصوص تخلفات یا جرایم زیست‌محیطی در جنگل‌ها، سواحل یا عرصه‌های طبیعی دیگر فراهم می‌سازد.

اگرچه در قلمرو حقوق ایران، حق بر پیشگیری از جرم به شکل‌های مختلف مورد توجه خیرگان قانون اساسی قرار گرفته است (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۰۷)، مع‌الوصف فقدان ساختاری منسجم در حوزه پیشگیری از بزهکاری زیست‌محیطی از یک سو و تأکید بر بسترسازی اجرایی تدابیر پیشگیرانه فرهنگی - اجتماعی در سیاست جنایی ترکیبی از سوی دیگر، افزون بر طراحی ساختار مطلوب، آیین مناسب برای عملیاتی کردن آن را نیز مدنظر قرار می‌دهد.

در واقع برای پیشگیری از جرایم، به همکاری همه نهادهای رسمی و جامعه‌ی نیاز است (لازرز، ۱۳۹۶: ۱۵۰) و اگرچه سیاست جنایی مشارکتی^۱ مرزهای نزدیکی با سیاست جنایی ترکیبی دارد، اما وجه افتراق این دو در آن است که در سیاست جنایی ترکیبی، متولیان امر با دامنه گسترده‌تری مواجه هستند و ممکن است با تجویز قانون‌گذار در متون تقنینی و فروتقنینی علاوه بر مشارکت جامعه مدنی، جرم‌زدایی، کیفرزدایی و جرم‌انگاری مطلق یا نسبی و یا حضور متخلفان در مراجع اداری - انتظامی یا شبه رسمی در فرایند پاسخ‌دهی به جرایم زیست‌محیطی، تحولات متعددی محقق گردد. به عبارت

۱. در سیاست جنایی مشارکتی با همجواری زمانی و مکانی دست‌اندرکاران دولتی و جامعه‌ی، یعنی از رهگذر پیشگیری و سرکوب کیفری بزهکاری و نیز بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران به تأمین امنیت ناآرام می‌شویم (جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۶). بدین ترتیب دولت و جامعه مدنی، در حوزه تدبیر و چاره‌اندیشی راجع به پدیده مجرمانه دست به تقسیم کار زده‌اند و جامعه مدنی و مردم در سیاست جنایی مشارکت می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۴۷).

دیگر، رابطه سیاست جنایی ترکیبی و سیاست جنایی مشارکتی، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی همواره سیاست جنایی ترکیبی متضمن شاخصه‌های سیاست جنایی مشارکتی نیز هست، اما سیاست جنایی مشارکتی مشتمل بر سیاست جنایی ترکیبی نیست. بدین‌سان، اگرچه در سیاست جنایی مشارکتی، حضور جامعه مدنی در فرایند پاسخ‌دهی به پدیده بزهکاری شکل می‌گیرد، اما در سیاست جنایی ترکیبی علاوه بر مشارکت جامعه مدنی، دیگر ظرفیت‌ها و نهادها، مرعی داشتن ترتب و تقدم مداخله‌های جامعه‌ی - دولتی در سیاست جنایی ماهوی و شکلی در برابر جرایم و تخلفات علیه محیط زیست مدنظر قرار می‌گیرد.

۲-۱-۳. تدابیر کنشی وضعی

روشن است که علی‌رغم کاربست تدابیر مختلف پیشگیری اجتماعی و اقدامات فرهنگی در سیاست جنایی ترکیبی، ارتکاب بزهکاری زیست‌محیطی در جامعه وجود دارد. لذا تمام اقدامات پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست‌محیطی به نتیجه نمی‌رسد و در خصوص همه بزهکاران یا افراد مترصد ارتکاب جرم نمی‌توان قائل به اقدامات توان‌افزا و اصلاحی بود.

بنابراین گونه پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار به جای اقدام به تغییرات بنیادین در جامعه یا یک محله، به دنبال محدود کردن فرصت‌های ارتکاب جرم، افزایش خطر دستگیری، دشوارسازی و در نهایت به انصراف رسانیدن بزهکار بالقوه است (جندلی، ۱۳۹۵: ۸۵). بر این‌ابتنا، نصب دوربین‌های مداربسته در مراکز، جنگل‌ها، زیستگاه‌های جانوری یا در مجاورت کارخانه‌ها جهت پایش مستمر و لحظه‌ای و مراقبت از عدم ورود پساب کارخانه‌ها و فاضلاب‌های شهری و صنعتی به آب‌ها، حضور فراگیر نیروهای محیط‌بان، جنگلبان، ابطال مجوز تأسیس کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که ضوابط مربوط به بهداشت و مسائل زیست‌محیطی را در ساختن و تعبیه دستگاه‌های مورد نیاز خود رعایت نکرده یا مرتکب فعالیت‌های مضر علیه محیط زیست می‌شوند، مصداق‌هایی از اقدامات موقعیت‌مدار در حوزه پیشگیری از بزهکاری زیست‌محیطی است.

همچنین ضعف مدیریت مسئولان عرصه زیست‌محیطی در کنترل یا نظارت کارآمد

و بهنگام، منجر به تشدید خطر بزهکاری زیست‌محیطی در آن مکان می‌شود. بنابراین تقویت آماج جرم با به کارگیری مدیران توانمند و مجرب، ترسیم جغرافیای جنایی و اقلیمی هر مکان و منطقه به ویژه کانون‌های جرم‌خیز و مناطق بحرانی بزهکاری زیست‌محیطی که حاوی اطلاعات بومی از منابع گوناگون مرتبط با جرایم زیست‌محیطی است، در زمره تدابیر تدافعی پیشگیرانه می‌گنجد.

برای نمونه، حفظ و گسترش فضای سبز شهری و جلوگیری از تخریب آن به همراه پایش و نظارت لازم جهت جلوگیری از آلوده شدن محیط زیست، از عمده وظایف شهرداری‌ها برشمرده شده است^۱ که می‌تواند در پهنه سیاست جنایی ترکیبی در وضعیت‌های پیش‌جنایی و تصمیم بزهکاران بالقوه مؤثر واقع شود.

افزون بر این، افزایش مقرهای محیط‌بانی توسط سازمان محیط زیست، وجود محافظان جنگل (جنگلبانان)، نصب هشداردهنده‌ها و موانع نمادین و طراحی نور و روشنایی مناسب در محوطه‌هایی که قابلیت قلمروسازی را در عرصه محیط زیست دارند، می‌تواند مجرمان بالقوه جرایم زیست‌محیطی را در شرایطی قرار دهد که احساس ناامنی نموده و به دلیل در معرض دید قرار گرفتن، احتمال بیشتری بر دستگیری خویش دهند. بنابراین، واضعان سیاست جنایی ترکیبی با در نظر داشتن این مهم که عوامل موجد جرایم زیست‌محیطی، رفتار جنایی عاقلانه و متفاوت از عوامل وضعی جرایم دیگر است و وقوع این طیف از جرایم نیز در مکان‌هایی بیشتر است که در آن‌ها، فرصت‌های بزهکاری و دیگر ویژگی‌های محیطی تسهیل‌کننده رفتار جنایی وجود دارد، به دنبال حذف مسائل موجود یا چالش‌های قابل پیش‌بینی در طراحی‌های جدید بوده و نسبت به پیش‌بینی تمهیدات لازم اقدام می‌نمایند.

۲-۳. پاسخ‌گذاری واکنشی سیاست جنایی ترکیبی ایران در قبال جرایم

زیست‌محیطی

در کنار پاسخ‌های کنشی حداکثری در سیاست جنایی ترکیبی در برابر بزهکاری

۱. ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴ به ۲۸ مورد از وظایف شهرداری‌ها در زمینه مسائل زیست‌محیطی شهری اشاره می‌نماید.

زیست‌محیطی، وضع ضمانت‌اجراهای مطلوب، متناسب و اجرای صحیح و دقیق آن‌ها در قبال هنجارگریزی مجرمان واجد اهمیت است؛ زیرا نظام عدالت کیفری همچنان به ضمانت اجرای کیفری و قدرت بازدارندگی در جرایم زیست‌محیطی اعتقاد دارد.

اگرچه به نظر می‌رسد فقدان آگاهی و حس مسئولیت‌پذیری به همراه عدم پیش‌بینی تبعات رفتار مجرمانه بزهکاران زیست‌محیطی، در نقض حقوق محیط زیست و ارزش‌هایی که در سیاهه قوانین کیفری قرار گرفته‌اند، مؤثر است (Levin & Reddy, 2012: 4)، اما پارادایم حسابگری و سنجش عقلایی مجرمان یقه‌سبز^۱ تغلیب یافته است. با وجود این در سیاست جنایی ترکیبی، مقارن با اعمال مجازات و تدابیر قهرآمیز به عنوان آخرین حربه با رویکرد کمینه‌ای، راهبرد قضا‌زدایی یا جرم‌زدایی نسبی از بزهکاری زیست‌محیطی نیز لحاظ می‌شود.

بدین ترتیب، افتراقی‌سازی سیاست جنایی بر پایه معیار بزه، بزهکار، موقعیت مشرف به جرم، آماج و قربانی جرم محقق می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۵۹)؛ راهبردی که مکمل سیاست جنایی ترکیبی بوده و گونه‌های بدیل را در پاسخ‌های کیفری و فرایند دادرسی در بر می‌گیرد. بر این اساس، قلمرو کیفری جرایم زیست‌محیطی در قالب ضمانت‌اجراهای کیفری و اداری بررسی می‌شود.

۱-۲-۳. پاسخ‌های کیفری

بدیهی است که قانون‌گذار در صیانت از ارزش‌های محیط زیست به مداخله کیفری اقدام نموده و در کنار متغیرهای اداری، مدنی، میانجیگری و... همزمان از پاسخ‌های قهرآمیز در برابر بزهکاری زیست‌محیطی استفاده می‌نماید. در نظام حقوق کیفری ایران به طور سنتی عمده توجه قانون‌گذار متوجه مصادیق گوناگون تخریب بوده و مصادیق آلودگی و گستره جرایم زیست‌محیطی ناشی از آلاینده‌ها (به ویژه از حیث آثار و نتایج) که به مراتب بیشتر از تخریب است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (روستایی و رحمانیان، ۱۳۹۶: ۲۷۵). علی‌رغم پراکندگی در قوانین زیست‌محیطی، با این حال، جرم‌انگاری تهدید علیه بهداشت عمومی، جرم‌انگاری پسماند محور،

1. Green Collar Criminals.

جرم‌انگاری تخریب درختان، جرم‌انگاری آلودگی هوا، جرم‌انگاری آلودگی آب و خاک و آلودگی صوتی در راستای صیانت از محیط زیست، در سیاهه قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است.^۱

علاوه بر این، پاسخ‌های واکنشی همچون انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها، مصادره اموال و انحلال شخص حقوقی مرتکب جرایم زیست‌محیطی با امعان نظر به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیانبار آن می‌تواند متضمن بازدارندگی عام، خاص و شرمساری بازگرداننده باشد؛ برای نمونه، در پرونده‌ای که مربوط به سال ۱۳۹۷ و قطع ۳۴ درخت تنومند در حاشیه جاده سوسنگرد به اهواز است، فرد خاطی اقدام به قطع درختانی با عمر بیش از ۱۵ سال می‌نماید. قاضی دادگاه با استناد به ماده ۶۸۶ قانون مجازات اسلامی مبنی بر قطع اشجار منجر به تخریب محیط زیست و مواد ۲۳ و ۶۷ قانون مطروحه، محکوم‌علیه را به پرداخت جزای نقدی، یک روز حبس تعزیری، کاشت ۶۸ اصله درخت (دو برابر تعداد درختانی که از ریشه درآورده بود) در همان منطقه و همچنین مراقبت از درختان کاشته‌شده به مدت دو سال محکوم نمود (نوری، ۱۳۹۷)؛ حکمی تأثیرگذار و بازدارنده که نشان از درک کامل قاضی پرونده از حساسیت‌های امروز محیط زیست کشورمان، تسلط بر مفاد قانونی، تعامل و ارتباط نزدیک با طبیعت دارد.

روشن است که ضرورت اجرای قوانین کیفری زیست‌محیطی با در نظر داشتن جایگاه حقوق کیفری که نقش مولد ارزش‌های زیست‌محیطی یا حامی ارزش‌های در حال تولد را ایفا می‌کند، دوچندان است (عبدالهی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). تأسی از آموزه‌های جرم‌شناسی کلاسیک مبنی بر قطعیت، حتمیت و سرعت در اعمال مجازات مجرمان زیست‌محیطی می‌تواند پیام روشنی مبنی بر اهمیت محیط زیست به افراد جامعه ابلاغ نماید.

به هر تقدیر، اگرچه در حوزه پشتیبانی کیفری از محیط زیست به جهت اولویت داشتن

۱. مواد ۶۷۵، ۶۸۴، ۶۸۶ و ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مدیریت اجرایی پسماندها، مواد ۲، ۲۸ و ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، ماده ۵۶ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ از این مصادیق هستند.

اعادة وضع آسیب‌دیده به حالت پیشین، پاسخ‌های غیر کیفری سنتی برتری دارند (صبوری‌پور و احمدی، ۱۳۹۸: ۲۶۵)، اما با توجه به تأمین مطامع اقتصادی و مالی اشخاص حقوقی که با سبق تصمیم، آگاهی و سنجش مضار و منافع رفتار ارتكابی به نقض هنجارهای زیست‌محیطی دست می‌یازند، اعمال مجازات‌های نقدی قابل توجه که منطبق با نرخ تورم و نوسان‌های ارزش پول رایج است، می‌تواند واجد کارکردی مناسب و مطلوب باشد. مع‌الوصف تقدم و تأخر تصویب قوانین محیط زیست، تعارض قوانین، مداخله کیفری به صورت متشتت و ضمانت اجراهای ملایمی که از بازدارندگی معتناهی برخوردار نیست، ضرورت تدوین قانون مدون حمایت از محیط زیست^۱ - جرایم زیست‌محیطی - را بعد از اخذ بازخوردهای لازم و نهادشناسی کیفری بیش از پیش نمایان می‌سازد.^۲

با این همه، تلاش می‌شود تا به منظور تورم‌زدایی از جمعیت کیفری در مواردی که در حقوق اداری، حقوق انضباطی و... برای جرایم زیست‌محیطی پاسخ‌هایی پیش‌بینی شده است، پاسخ کیفری لغو شود و رسیدگی به آن از شمول صلاحیت عدالت کیفری خارج گردد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۳۳/۱). لذا در سیاست جنایی ترکیبی باید صلاحیت و استقلال لازم جهت داور یا رسیدگی ماهوی، به گونه‌ای در قالب قوانین طراحی و پیش‌بینی شود که مقامات اداری مرتبط حسب مورد، واجد نقش نهادهای نظارتی، اجرایی و شبه قضایی شده و حسب مورد از آیین دادرسی اداری اختصاصی برخوردار شوند. امروزه پیشنهاد رسیدگی به جرایم علیه محیط زیست فراملی در دیوان بین‌المللی کیفری^۳

۱. در دادرسی افتراقی سبز، صرف فعالیت قضات متخصص کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه تأثیر وجود کنشگران پیراقضایی که خارج از حوزه اختیارات دست‌اندرکاران قضایی، به اقدامات ضروری و مفیدی دست می‌یازند، در تحقق عدالت زیست‌محیطی، مهم ارزیابی می‌شود (حاجی‌وند، ۱۳۹۷: ۱۳۴). مواد ۶۵ و ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، جایگاه کنشگران مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد را در خصوص جرایم زیست‌محیطی مدنظر قرار داده است.

۲. بر این ابتدا و با امعان نظر به ماده ۳۶ دستورالعمل ابلاغی از جانب ریاست محترم قوه قضاییه در سال ۱۳۹۸، نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با این قوه در خصوص مشارکت در فرایند رسیدگی تصریح شده است. این مهم با در نظر داشتن توسعه مشارکت جامعه مدنی و ظرفیت مطلوب کنشگران پیشگیری از بزهکاری زیست‌محیطی می‌تواند در سیاست جنایی ترکیبی مطمح نظر قرار گیرد.

3. ICC.

نیز مطرح شده است (Lopez, 2006: 271) و حق دادخواهی و صلاحیت دادرسی متولیان عمومی و دولتی رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی، به کنشگران خصوصی و غیر دولتی تعمیم یافته است؛ امری که موجب گسترش متولیان حفاظت از محیط زیست و تأمین امنیت فراگیر زیست‌محیطی در سیاست جنایی ترکیبی می‌گردد. در این خصوص، تشکیل پلیس زیست‌محیطی، آموزش و تخصص‌گرایی ضابطان دادگستری و قضات متخصص در حقوق محیط زیست و اختصاص محاکم ویژه در رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی باید مورد توجه قرار گیرند.

۲-۲-۳. پاسخ‌های اداری - انضباطی

در سیاست جنایی ترکیبی تلاش می‌شود تا ضمانت اجرای کیفری تنها پاسخ به بزهکاری زیست‌محیطی نباشد و حسب مورد در ابتدا ضمن بزه‌انگاری اداری، از ضمانت اجراهای اداری نیز به عنوان جایگزین‌های مجازات‌های کیفری محض استفاده شود؛ راهبردی که شرایط تطبیق متغیرها را در سیاست جنایی رقم می‌زند.

در تحول انطباقی مدل سیاست جنایی، نوعی جابه‌جایی درون‌مدل میان شبکه‌های دولتی یا جامعی مدل غالب سیاست جنایی، در عین حفظ و بقای ویژگی‌های روابط تشکیل‌دهنده آن مدل صورت می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۵۷). لذا در سیاست جنایی ترکیبی در برابر بزهکاری زیست‌محیطی با توجه به کثرت پرونده‌های قضایی، هزینه‌های اقتصادی و آثار متعاقب رسیدگی‌های رسمی کیفری، ضمن تخلف‌انگاری، شبکه دولتی اداری جایگزین محاکم رسمی در پاسخ‌دهی به جرایم زیست‌محیطی می‌شود. وجود نهادهای مختلف مرتبط با حقوق محیط زیست همچون سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری در استفاده از ضمانت اجرای اداری در مرحله نخستین و قبل از طرح پرونده در محاکم کیفری و جریان تشریفات معمول فرایند دادرسی می‌تواند ضمن قضازدایی، موجب به رسمیت شناختن صلاحیت مراجع اداری - البته با رعایت معیارهای رسیدگی عادلانه - گردد.

بنابراین عدم انطباق حقوق کیفری کلاسیک با گستره و قلمرو زیست‌محیطی و ابتدای حقوق کیفری بر اصل خطای شخصی و ضرورت احراز رکن معنوی، اعم از

عمد، قصور یا تقصیر بزهکاران و وجود رابطه سببیت بین رفتار ارتكابی و خسارت از یک سو و ظهور برخی آثار و خسارات وارده بر عرصه زیست محیطی در مدت های مدید از سوی دیگر، مداخله شبکه های اداری و انتظامی را در سیاست جنایی ترکیبی می طلبد.

همچنان که در لایحه قضازدایی و حذف برخی عناوین مجرمانه از قوانین که در راستای برنامه ششم توسعه از سوی معاونت حقوقی قوه قضائیه پیگیری و در کمیسیون حقوقی مجلس در حال بررسی است، صلاحیت رسیدگی به تخلفات زیست محیطی بر عهده هیئت های بدوی و تجدیدنظر سازمان حفاظت از محیط زیست قرار داده شده است که با حضور یک مقام قضایی تشکیل می شوند.^۱

علاوه بر این، تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون هوای پاک مصوب سال ۱۳۹۶ تصریح نموده است که متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون مستقر در اداره کل حفاظت محیط زیست استان، ضمن پرداخت جریمه رفع آلایندگی، مکلف به جبران خسارت وارده می باشند. در صورت عدم جبران و یا ترمرد از تصمیمات سازمان و یا کمیسیون، موضوع مجدداً در کمیسیون مطرح می شود و با تصویب کمیسیون، ضمن توقف فعالیت با شکایت اداره کل محیط زیست، متخلف به مرجع قضایی معرفی

۱. برای نمونه، در پرونده مطروحه کارخانه زمزم واقع در شهر کرمان، اهالی محل از تخلیه فاضلاب کارخانه در زمین های اطراف به اداره کل محیط زیست کرمان شکایت می کنند که پس از تأیید کارشناس، اداره کل محیط زیست طی اخطاری از کارخانه مذکور می خواهد تا فاضلاب خود را در محلی که توسط آن اداره تعیین می شود، تخلیه کند. در مورخه ۸۶/۴/۱۲ اداره کل حفاظت محیط زیست طی نامه ای دیگر از کارخانه می خواهد تا نسبت به انتقال به محل جدیدی که به سیستم تصفیه فاضلاب مجهز باشد، اقدام نماید. متعاقباً کارخانه به شهرداری اطلاع می دهد که از سیستم جدید فاضلاب استفاده می کند و شهرداری نیز موضوع را به اطلاع اداره حفاظت از محیط زیست می رساند. پس از بازرسی مجدد از محل اداره اظهار می کند که به علت عدم راه اندازی سیستم فاضلاب کارخانه، بررسی و نمونه برداری از آن ممکن نیست. پس از این امر، اداره کل محیط زیست بار دیگر از کارخانه می خواهد تا فاضلاب خود را به محل تعیین شده انتقال دهد. در نهایت، با احراز تخلفات و ارائه گزارش ها، مرکز بهداشت استان نیز طی نامه ای محصولات تولیدی کارخانه را آلوده به اجسام خارجی و حشرات تشخیص می دهد که طبق ماده ۱۲ قانون مواد آرایشی و بهداشتی اقدام می شود (تقی زاده انصاری، ۱۳۹۷: ۱۴۵)؛ مصدافی که مبین کاهش مداخله حقوق کیفری و تقویت شبکه اداری با ضمانت اجرای پیش بینی شده است.

می‌شود و با حکم این مرجع، به جزای نقدی درجه چهار موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم می‌شود. مصادیق مطروحه در قالب سیاست جنایی ترکیبی، مبین طبقه‌بندی سازوکارهای پاسخ‌های واکنشی از حوزه اداری تا مراجع قضایی می‌باشد.

بدین‌سان، مراجع اداری می‌توانند در صورت عدم اجرای مقررات توسط اشخاص حقوقی یا حقیقی یا احراز تخلفاتی که به واسطه تکرار در شرایط رسیدگی قرار می‌گیرند، با ابلاغ اخطار رسمی، مقررات مربوطه را یادآور شده و ضمن استفاده از ظرفیت‌های اجرایی سیاست جنایی ترکیبی در قالب جریمه، اجبار مالی متخلف به ایفای تعهدات و تضمین‌های الزامی اداری، در پیشگیری از تخلفات یا جرایم زیست‌محیطی آتی نقش بسزایی داشته باشند. با این وصف، تقویت مقام مستقل اداری در سیاست جنایی ترکیبی، روشی برای گذار از پاسخ‌های کیفری به اداری است که ضمن جرم‌زدایی نسبی و جلوگیری از تورم قوانین، به کاهش واکنش‌های کیفری در بدو امر می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

راهبرد سیاست جنایی ترکیبی ایران در برابر بزهکاری زیست‌محیطی^۱ به معنای در نظر داشتن ضرورت حیاتی بهره‌مندی از نهادهای واسط و دستگاه‌های مکمل نظام عدالت کیفری در پاسخ به هنجارگذاری، به غیر از پلیس و قوه قضاییه از یک‌سو و فراهم نمودن زمینه استفاده از ظرفیت قوای اجرایی، پارلمان، جامعه مدنی، رسانه‌ها، انجمن‌ها و شهروندان در ایجاد اجماع، معطوف به هم‌افزایی متقارن از سوی دیگر است.

روشن است که سیاست جنایی ترکیبی، به معنای انتقال وظایف و تکالیف قوه قضاییه و مسئولیت‌های سایر قوا در برابر بزهکاری نیست؛ بلکه رویکردی در راستای تأمین و تضمین امنیت با ترکیب هوشمندانه پیشگیری، ضمانت اجراهای بدیل اداری - انتظامی،

۱. اکوساید (بوم‌زدایی) خطر جهانی مشترکی است که اقتصاد جهانی، امنیت انسانی، سیاست جهانی، اخلاق جهانی و امنیت محیط زیستی را تهدید جدی می‌نماید. این جنایت به دلیل گستردگی و شدت ویرانگری چشمگیر خود، جنایتی تمام‌عیار علیه توسعه پایدار است (شاملو و قلی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۵۹).

کیفری، آیین‌های مختلف رسیدگی و تلاش در راستای بازپذیرسازی خواهد بود. بدین ترتیب، تجهیز سیاست جنایی به بخش‌های اجتماعی مختلف و استحاله نهاد‌های قضایی و تغییر شیوه عدالت کیفری به نفع نهاد‌های غیر قضایی که با توسعه زرادخانه ضمانت اجرای اداری، غیر سرکوبی و جامعی همراه است، به دنبال تحقق سیاست جنایی ترکیبی خواهد بود.

با این حال، اگرچه قوانین جامع و بازدارنده‌ای نیاز است که به نحو مطلوب از هنجارهای زیست‌محیطی صیانت نموده و با لحاظ نمودن ضمانت‌اجراهای متنوع، انگیزه‌های اقتصادی بزهکاران زیست‌محیطی را مرتفع نماید، اما در سیاست جنایی ترکیبی، هدف غایی حفظ جایگاه حقوق کیفری به عنوان حامی ارزش‌های اساسی در جامعه است. در واقع برون‌داد کیفی و حمایتی نظام جرم‌انگاری و کیفرگذاری در برابر تعدد جرم‌انگاری و سنجه کمی مجازات‌ها رجحان می‌یابد. تلاش متولیان سیاست جنایی ترکیبی آن است که حتی‌المقدور مداخله نظام عدالت کیفری و پاسخ‌های توان‌گیر و قهرآمیز را به تعویق انداخته یا به تدابیر نهایی تبدیل نمایند؛ امری که اقبال عمومی‌سازی حفاظت از محیط زیست و اجرای رویکردهای سیاست جنایی ترکیبی را با تأکید بر فرابخشی بودن این مهم و بهره‌مندی از مشارکت مردمی و جامعه مدنی متبلور می‌سازد.

بی‌شک سیاست‌گذاری زیست‌محیطی در بستر مدل ترکیبی سیاست جنایی، به دنبال مرتفع نمودن چالش‌های ناشی از مسائل زیست‌محیطی در عرصه فضای رسمی و اجتماعی حاکم است. اهمیت صیانت از محیط زیست به مثابه ثروت عمومی و پیوندی که میان اقتصاد و حفظ محیط زیست وجود دارد، منجر به ایجاد بسترهای فرهنگی و اجتماعی لازم در جامعه از طریق حساس‌سازی افکار عمومی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی به موقع با امعان نظر به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی کشور، می‌تواند ضمن مساعد نمودن زمینه مشارکت مؤثر مردمی در راستای فرایند پاسخ‌دهی به جرایم زیست‌محیطی و الزام به حضور برخی محکومان جرایم زیست‌محیطی به مشارکت در فعالیت‌های جبرانی و شرکت آن‌ها در برنامه‌های آموزشی گردد. بدین‌سان، در سیاست جنایی ترکیبی در برابر بزهکاری زیست‌محیطی تلاش می‌شود تا بر پایه اصول پیشگیری

توسط مشارکت جامعه مدنی، پاسخ‌های انتظامی در حقوق اداری، مقابله و اکنشی توسط حقوق کیفری و جبران خسارت توسط حقوق مدنی، بستر مناسبی جهت پیشگیری از فجایع زیست‌محیطی محقق شود.

بدیهی است که در حوزه مطالعات علمی سیاست‌های اقتصادی، دولت‌ها نیز می‌توانند سلامت محیط زیست را به مخاطره انداخته و منجر به شکل‌گیری مسئولیت‌ناشی از فعالیت‌های مخرب زیست‌محیطی دولتمردان شوند. بدین‌سان، سیاست جنایی به عنوان مهم‌ترین عرصه سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماع در دهه‌های اخیر با امعان نظر به متغیرهای موجود و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر، ضرورت کنترل پدیده‌ها و برخورداری از زیرساخت‌های فرهنگی و بومی، نیازمند مدل‌سازی نوین در قالب سیاست جنایی ترکیبی است؛ همچنان که حق دسترسی مردم به اطلاعات محیط زیستی و حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حوزه محیط زیست و توجه واضعان سیاست جنایی ترکیبی به لایه‌های زیرین مشارکت معنادار در کنار سایر ارکان سیاست جنایی ترکیبی کارآمد، در موفقیت حداکثری کارگزاران این عرصه مفید خواهد بود.

کتاب‌شناسی

۱. آلبرشت، هانس یورگ، «تورم جمعیت زندان‌ها در مناطق مختلف جهان»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، در: *تورم جمعیت زندان‌ها؛ در جستجوی کارآمدترین راه حل*، تهران، معاونت امور اجرایی و اطلاع‌رسانی مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۵ ش.
۲. ابراهیمی، شهرام، *جرم‌شناسی پیشگیری*، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۳. احمدی، اصغر، قدرت‌الله خسروشاهی، و مجتبی میرشکار، «پیشگیری اولیه از جرایم زیست‌محیطی در آموزه‌های قرآنی»، *فصلنامه پژوهش‌های فقهی*، دوره چهاردهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷ ش.
۴. پوربافرانی، حسن، و مرضیه همتی، «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست‌محیطی»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، دوره بیست و سوم، شماره ۸۷، پاییز ۱۳۹۵ ش.
۵. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، *حقوق محیط زیست در ایران*، چاپ هشتم، تهران، سمت، ۱۳۹۷ ش.
۶. جمشیدی، علیرضا، *سیاست جنایی مشارکتی*، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۷. جندلی، منون، *درآمدی بر پیشگیری از جرم*، ترجمه و تحقیق شهرام ابراهیمی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۸. حاجی‌وند، امین، *آیین دادرسی کیفری سبز در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۹. درویش، محمد، «خشکسالی کابوس هزاران ساله ایران»، ۱۳۹۸ ش.، قابل دسترس در: <https://www.dw.com>.
۱۰. دل‌ماس - مارتی، می‌ری، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۱۱. رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین، «از ممنوعیت تا جرم‌انگاری خسارت وارده به محیط زیست در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ضمیمه شماره ۵۶، زمستان ۱۳۹۰ ش.
۱۲. روستایی، مهرانگیز، و حامد رحمانیان، «جرم‌های زیست‌محیطی»، مقاله در: *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. شاملو، باقر، اصغر احمدی، و قدرت‌الله خسروشاهی، «بزه‌دیده‌شناسی سبز: با تأکید بر سیاست کیفری ایران»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال ششم، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۱۴. شاملو، باقر، و غلامرضا قلی‌پور، «اکوساید (بوم‌زدایی): جنایتی علیه توسعه پایدار»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره پنجاهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۵. صوری‌پور، مهدی، و اصغر احمدی، «جرایم علیه صخره‌های مرجانی از منظر حقوقی و بزه‌دیده‌شناختی»، *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره شانزدهم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۱۶. عبدالهی، محسن، «حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی»، *فصلنامه علوم محیطی*، سال پنجم، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۶ ش.
۱۷. غلامی، حسین، *اصل حداقل بودن حقوق جزا*، تهران، میزان، ۱۳۹۳ ش.
۱۸. قاسمی، ناصر، *حقوق کیفری محیط زیست (مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین‌المللی)*، چاپ دوم، تهران، خرسندی، ۱۳۹۵ ش.
۱۹. کشاورز، اسدالله، *بزهکاری سبز؛ جلوه‌ها و پاسخ‌های تقنینی و قضایی*، تهران، میزان، ۱۳۹۹ ش.

۲۰. لازرژ، کریستین، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۲۱. لسانی، بهزاد، و علی مشهدی، «حفاظت از محیط زیست توسط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در چارچوب اصول هشتم و سی و چهارم قانون اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، دوره هفتم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۹۷ ش.
۲۲. لواسور، ژرژ، «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره اول، شماره ۱۱۶، ۱۳۷۱ ش.
۲۳. مشهدی، علی، «اساسی‌سازی ماهوی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه»، *فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
۲۴. همو، *حق بر محیط زیست سالم*، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۲۵. همو، «دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، دوره دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۶. مهدوی، محمود، و آذر علی‌نژاد، «دموکراسی محیط زیستی: رویکرد مشارکتی در پاسخ به آسیب‌های محیط زیستی»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره سوم، شماره ۱ (پیاپی ۶)، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «تحولات جرم‌شناسی بزهکاری یقه‌سفیدها»، *دیباچه در: دارابی، شهرداد، بزهکاری یقه‌سرخ‌ها*، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۲۸. همو، «جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم»، *دیباچه در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و حمید هاشمی‌بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ پنجم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۷ ش.
۲۹. همو، «حقوق تطبیقی و هماهنگ - نزدیک‌سازی نظام‌های حقوقی»، *دیباچه در: جلوه‌هایی از مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه و ایران*، به کوشش بهزاد رضوی فرد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۸ ش.
۳۰. همو، «درآمدی بر اساسی‌سازی حقوق کیفری»، *در: گرجی، علی‌اکبر، در تکاپوی حقوق عمومی*، تهران، جنگل، ۱۳۹۳ ش.
۳۱. همو، «درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا»، *دیباچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی*، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۳۲. همو، «درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، *مقاله در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹ ش.
۳۳. همو، «درباره سیاست جنایی افتراقی»، *دیباچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی*، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۳۴. همو، «سیاست جنایی از مدل‌ها تا جنبش‌ها»، *دیباچه در: دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۸ ش.
۳۵. همو، «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی»، *مقاله در: سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی*، به کوشش امیرحسن نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۳۶. همو، «سیاست جنایی»، *مقاله در: دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به کوشش امیرحسن نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.

۳۷. نوری، سهیلا، «حکم سبز یک قاضی، نخستین رأی محیط زیستی»، ۱۳۹۷ ش.، قابل دسترس در: <https://www.yasa.com>.

۳۸. نیازپور، امیرحسن، «اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۶، بهار ۱۳۹۳ ش.

39. Clifford, Mary, *Environmental Crime: Enforcement, Policy, and Social Responsibility*, Jones & Bartlett Learning, 1998.
40. Levin, Marc A. & Vikrant P. Reddy, "Engulfed by Environmental Crimes: Over Criminalization on the Gulf Coast", Report of Texas Public Policy Foundation, 2012.
41. Lopez, Aurelie, "Criminal Liability for Environmental Damage Occurring in Times of Non-International Armed Conflict: Rights and Remedies", *Fordham Environmental Law Review*, Vol. 18, No. 2, Electronic Press, 2006.
42. Pereira, Ricardo M., *Environmental Criminal Liability and Enforcement in European and International Law*, Brill Publication, 2015.

